



Foundations of Religious Governance: Islam and the Individual–Society Relationship in the Political Thought of Ayatollah Javadi Amoli

Ali Aqajani

Assistant Professor, Department of Political Science, Social Sciences Research Center, Research Institute of Hawza and University, Qom, I.R.Iran

Email: aqajani@rihu.ac.ir



Citation

aqajani, A (2024), Foundations of Religious Governance: Islam and the Individual–Society Relationship in the Political Thought of Ayatollah Javadi Amoli, *Aeine Hokmrani*, 2 (4). 211-246

[10.22034/ah.2025.2070704.1070](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2070704.1070)

Type of Article: Reserch Article

Received: 16 June 2024

Revised: 03 September 2024

Accepted: 05 October 2024

Publish Online: 21 December 2024

Abstract

Ayatollah Abdullah Javadi Amoli has authored numerous works across various fields of Islamic sciences, including political theology, which has established him as a prominent figure in this domain. The present study, utilizing Skinner’s intentionalist hermeneutic method, examines the relationship between the individual and society in Islam. Accordingly, the main research question is: How is the nature of the relationship between the individual and society defined in the perspective of Ayatollah Javadi Amoli. The hypothesis of this study is based on the assumption that, given the conceptual and empirical contexts as well as the prevailing norms in this field, Ayatollah Javadi Amoli may be regarded as affirming the dual primacy of both the individual and society—a primacy ultimately expressed through a form of cultural foundationalism. His arguments are sometimes presented in rejection of the primacy of society, and at other times in a conditional and attenuated affirmation of it. Some of the findings of the research are as follows: the reciprocal influence of the individual and society on one another; the objective existence of society based on the negation of Aristotelian matter and form; the difficulty of proving the existence of society on the basis of the necessity of typical unity; the question of whether society is real (haqiqi) or conventional (i’tibari) is not a devotional matter (ta’abbudi) for which the apparent meaning of words can serve as proof; the interconnection of the souls of society within intellectual existence; the delineation of society’s existence on the basis of the all-encompassing effusion (fayd itlaqi); the distinction between the existence of society from ontological and sociological perspectives; the differentiation of the domains of philosophy and sociology and the role of Imamate and Wilayah as the factors that bring about the concrete realization of society. Of course, in some of his works he also speaks of the primacy of the individual, but not from the perspective of human nature; rather, from the standpoint of the human being’s true reality—namely, the spiritual and heavenly dimension of the human soul. In his view, the consequence of individual primacy in materialist schools is self-interest, despotism, exclusivism, and domination, whereas in the school of revelation, the primacy of the individual leads to altruism, justice, benevolence, and the removal of oppression.

Keywords

Individual primacy, Societal primacy, Javadi Amoli, Political theology, Skinner.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مبای‌دی حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

علی آقاجانی

استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، جمهوری اسلامی ایران
Email: aqajani@rihu.ac.ir



استناد به این مقاله:

آقاجانی، علی (۱۴۰۳)، مبای‌دی حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی، نشریه آیین حکمرانی، ۲ (۴)، ۲۱۱-۲۴۶

doi: [10.22034/ah.2025.2070704.1070](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2070704.1070)

نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

چکیده

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی آثار گوناگون و بسیاری در حوزه‌های مختلف علوم دینی، از جمله در حوزه‌های کلام سیاسی، نوشته است که او را به چهره‌ای شاخص در این عرصه تبدیل کرده است. پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، به واکاوی نسبت فرد و جامعه با اسلام می‌پردازد. براین اساس پرسش اصلی آن است که در نگرش آیت‌الله جوادی آملی، نوع رابطه فرد و جامعه چگونه تعریف می‌شود؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که باتوجه به زمینه‌های ذهنی و عینی و نیز هنجارهای رایج در این حوزه، می‌توان ایشان را باورمند به اصالت توأمان فرد و جامعه دانست؛ با این توضیح که این باور در قالب نوعی اصالت فرهنگ نمود می‌یابد. استدلال‌های وی، گاه در رد اصالت جامعه و گاه در تأیید مشروط و رقیق آن ارائه شده‌اند. برخی از یافته‌های پژوهش عبارتند از: تأثیر متقابل فرد و جامعه بر یکدیگر؛ وجود عینی جامعه بر مبنای نفی ماده و صورت ارسطویی؛ دشواری اثبات وجود جامعه بر اساس لزوم وحدت صورت نوعی؛ حقیقی یا اعتباری دانستن جامعه، امری تعبدی نیست تا ظواهر الفاظ در آن حجت باشد؛ پیوند ارواح جامعه در وجود عقلی؛ ترسیم وجود جامعه براساس وحدت اطلاقی فیض؛ تفاوت وجود جامعه از منظر هستی‌شناسی و جامعه‌شناسی؛ تفکیک قلمرو فلسفه و جامعه‌شناسی؛ امامت و ولایت عامل تحقق عینی جامعه. البته وی در برخی آثار خود نیز از اصالت فرد سخن گفته است، اما نه از دیدگاه طبیعت انسان، بلکه از حیث حقیقت او؛ یعنی روح ملکوتی آدمی. از نگاه ایشان، مقتضای اصالت فرد در مکتب‌های مادی، استتار، خودکامگی، انحصارطلبی و سلطه‌گری است، اما در مکتب وحی، اصالت فرد به ایثار، عدل، احسان و رفع ستم منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی

اصالت فرد، اصالت جامعه، جوادی آملی، کلام سیاسی، اسکینر.



مقدمه

آیت‌الله جوادی آملی، از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر در حوزه علوم انسانی اسلامی است که در قلمروهای متنوعی همچون فلسفه، تفسیر، فقه و کلام سیاسی صاحب رأی و نظر است. آثار و اندیشه‌های ایشان در حوزه کلام سیاسی اسلامی - به ویژه در تبیین مفاهیم بنیادینی همچون عدالت، ولایت، حقوق بشر و نسبت فرد و جامعه - واجد عمق نظری و ظرفیت‌های تحلیلی فراوانی است که بررسی آنها می‌تواند به بالندگی دانش سیاسی اسلامی یاری برساند.

همچنین بررسی رابطه فرد و جامعه در فلسفه سیاسی و اجتماعی، از دیرباز مناقشه‌پذیر بوده است. ضرورت آن از چند جهت قابل تبیین است:

۱. **هویت‌یابی انسان:** انسان نه در خلأ، بلکه در بستر اجتماعی معنا می‌یابد. فهم رابطه فرد

و جامعه، به فهم هویت انسانی کمک می‌کند؛

۲. **تنش میان آزادی و نظم:** این رابطه، بستری برای تحلیل تعارض میان حقوق فردی و

مصالح جمعی است؛

۳. **مبنای نظریه‌های عدالت و حقوق:** نظریه‌های عدالت، حقوق بشر و مسئولیت

اجتماعی بر اساس نوع نگاه به این رابطه، شکل می‌گیرند؛

۴. **پاسخ به بحران‌های مدرن:** بحران‌هایی همچون فردگرایی افراطی یا سلطه‌گرایی جمعی،

بدون تحلیل دقیق این رابطه قابل حل نیستند.

از سوی دیگر کلام سیاسی اسلامی به‌عنوان دانشی در حال تکوین، هنوز در مرحله تثبیت مفاهیم و چهارچوب‌های نظری خود قرار دارد. این دانش، به‌واسطه پیوند استوار با مبانی اعتقادی، تاریخی و اجتماعی اسلام، بستری مناسب برای بازخوانی و بازسازی مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی فراهم می‌آورد. در این میان آیت‌الله جوادی آملی را می‌توان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان کارآمد این حوزه دانست که با بهره‌گیری از سنت تفسیری، فلسفی و فقهی شیعه، دیدگاه‌هایی نوآورانه و تأثیرگذار در باب نسبت فرد و جامعه ارائه کرده است.

شخصیت علمی و عملی آیت‌الله جوادی آملی، از چند جهت حائز اهمیت است:

نخست، جامعیت نسبی وی در دین‌شناسی و تسلط بر اضلاع مختلف معرفت دینی؛ دوم،

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

تولید آثار متنوع در حوزه‌های نظری و عملی سیاست؛ سوم، حضور فعال در عرصه سیاست‌ورزی دینی در مقام عالم حوزوی؛ چهارم، برخورداری از فقه اکبر که بخش مهمی از آن به مباحث کلامی سیاسی اختصاص دارد. این ویژگی‌ها سبب شده‌اند که تحلیل دیدگاه وی درباره رابطه فرد و جامعه در اسلام، اهمیتی مضاعف یابد.

در آثار وی، فرد نه به‌مثابه موجودی جدای از جامعه، بلکه به‌عنوان حامل کرامت الهی و مسئولیت اجتماعی تعریف می‌شود. جامعه هم نه‌فقط مجموعه‌ای از افراد، بلکه ساختاری فرهنگی و ارزشی است که باید در خدمت رشد و تعالی انسان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۲۲۰-۲۲۵). جوادی آملی در نقد دیدگاه‌های اصالت‌گرایانه نسبت به جامعه، بر این نکته تأکید دارد که اگر جامعه بدون جهت‌گیری الهی باشد، نمی‌تواند اصالت داشته باشد. ازسوی دیگر وی اصالت فرد را نیز مشروط به تعهد اخلاقی و اجتماعی می‌داند (همان، ص ۲۳۰). بنابراین در منظومه فکری او، نه فرد به‌تنهایی اصالت دارد، نه جامعه به‌صورت مستقل، بلکه آنچه اصالت دارد، فرهنگ الهی‌ای است (همان) که فرد و جامعه را در مسیر توحید و عدالت سامان می‌دهد (حسینی، ۱۴۰۳، ص ۸۹-۱۰۶).

این دیدگاه، ضمن عبور از دوگانه‌های رایج فردگرایی و جمع‌گرایی، امکان بازخوانی مفاهیم بنیادین سیاست اسلامی را در پرتو مبانی قرآنی و عقلانی فراهم می‌آورد. ازاین‌رو تحلیل نسبت فرد و جامعه در کلام سیاسی جوادی آملی، نه‌تنها به فهم بهتر اندیشه سیاسی اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در بازسازی نظریه‌های اجتماعی و سیاسی مبتنی بر دین نیز نقش آفرین باشد.

پژوهش پیش رو، با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدگرای کونتین اسکینز در فرایند چهارگانه زمینه‌های ذهنی و زمینه‌های عینی، هنجارهای مرسوم و تصرفات اندیشمند و با اعمال دخل و تصرفاتی متناسب با زمینه اسلامی، به واکاوی نسبت فرد و جامعه در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد. پرسش اصلی، آن است که در منظومه فکری جوادی آملی، نوع رابطه فرد و جامعه چگونه تعریف می‌شود؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که جوادی آملی، با توجه به زمینه‌های ذهنی و عینی و نیز هنجارهای رایج در سنت

اسلامی، به نوعی اصالت توأمان فرد و جامعه باور دارد؛ اصلاتی که در چهارچوب فرهنگ دینی و الهی نمود می‌یابد. در منظومه فکری جوادی آملی، رابطه فرد و جامعه نه تنها یک مسئله اجتماعی، بلکه یک مسئله هستی‌شناختی و اخلاقی است.

۱. پیشینه تحقیق

درباره موضوع تحقیق به‌عنوان رابطه اسلام و «فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی، پژوهش‌هایی وجود دارد، اما این پژوهش نخستین اثر با این روش و محتواست. از جهت اندیشه جوادی آملی به‌صورت کلی پژوهش‌هایی با عنوان اندیشه سیاسی وی، برخی آثار موجود است. همچنین در برخی آثار مرتبط با تحلیل اندیشه سیاسی حوزه‌های علمیه یا اندیشه سیاسی پس از انقلاب، مانند برخی آثار عبدالوهاب فراتی و یحیی فوزی، به برخی ابعاد و زمینه‌های عینی و محیطی کلام سیاسی از جهت اندیشه سیاسی جوادی آملی پرداخته شده است. از جمله آثار منتشرشده می‌توان به این عناوین اشاره کرد: کتاب سیری در اندیشه سیاسی آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (منصورزاد، ۱۳۹۰)؛ چند پایان‌نامه از جمله (بررسی مباحث کلام اجتماعی آیت‌الله جوادی آملی) (امیری، ۱۳۹۱)، «اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی» (مجتبی‌زاده، ۱۳۸۹)، «اقتضانات حضور عقل برهانی در معرفت سیاسی آیت‌الله جوادی آملی» (علویان و زارع‌پور، ۱۳۹۷)، «همگرایی عقل و سیاست در حکمت متعالیه جوادی آملی بر اساس نظریه هرمنوتیک اندیشه‌شناسانه اسکینر» (عباس‌تبار و زارع‌پور نقیبی، ۱۳۹۸)، «تحلیل انتقادی مبانی نظریه آزادی در دیدگاه آیزایا برلین با تأکید بر آراء علامه جوادی آملی» (نادری، ۱۴۰۰).

همچنین مقاله‌هایی در دسترس هستند؛ از جمله «فرد و جامعه در حکمت سیاسی متعالیه» (لک‌زایی، ۱۳۹۲)، «اصالت فرد و جامعه و آثار اجتماعی آن بر مبنای حکمت صدرایی» (خیری، ۱۳۹۶)؛ «عامل و ساخت در اندیشه اجتماعی آیت‌الله جوادی آملی» (خلیلی، ۱۳۹۴)؛ «فرد و جامعه؛ کشاکش آراء فلاسفه معاصر مسلمان» (بوذری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹)؛ «هستی‌شناسی جامعه از منظر متفکران دینی» (شاکرین، ۱۳۸۹)، اما هیچ‌یک از این

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله‌ جوادی‌ آملی

آثار، بر اساس روش اس‌کینر به این مسئله‌ نپرداخته‌ است که از این‌ جهت‌ نوآوری این پژوهش است. هیچ‌یک از آثار، بر پایه‌ روند چهارگانه، به واکاوی‌ زمینه‌های‌ عینی و ذهنی و تأثیرش بر دیدگاه‌ جوادی‌ آملی‌ نپرداخته‌ است. همچنین‌ هنجارها و متصرفات ایشان در آن هنجارها که هم از نظر شکلی و هم محتوایی‌ نوآوری‌ کار است، موجد دستاوردهایی‌ است.

۲. روش؛ هرمنوتیک‌ قصدگرای اس‌کینر

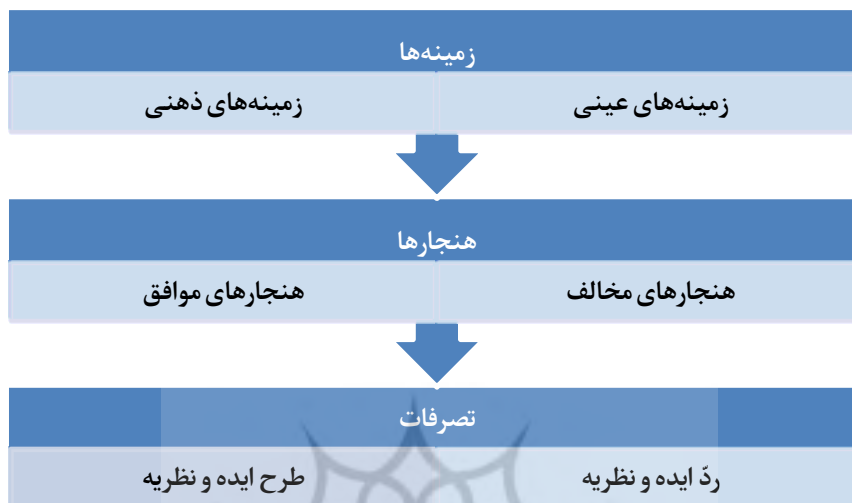
پژوهش‌ پیش‌ رو از رویکرد هرمنوتیکی‌ کوننتین اس‌کینر بهره‌ می‌برد؛ روشی‌ که در میانه طیف‌ متن‌محوری و زمینه‌محوری‌ قرار دارد و با اعتدال، به تحلیل‌ گفتار سیاسی‌ می‌پردازد. اس‌کینر در تحلیل‌ اندیشه‌ سیاسی، دو مؤلفه‌ بنیادین را مدنظر قرار می‌دهد: معنای‌ موردنظر اندیشمند، هدف او از نگارش و انتقال‌ مفاهیم (اس‌کینر، ۱۳۹۳/ جاوید، ۱۳۹۳). این دو مؤلفه، به‌ترتیب از راه مطالعه‌ آثار و تحلیل‌ هرمنوتیکی‌ قابل‌ دستیابی‌ هستند. اس‌کینر بر آن است که برای‌ فهم دقیق‌ نیت مؤلف، باید به بستر مناقشات فکری، جریان‌های‌ اندیشه‌ای و نحوه مشارکت‌ اندیشمند در آن محیط‌ توجه‌ کرد (اس‌کینر، ۱۳۹۳).

۳. مبانی‌ هرمنوتیکی‌ و تأثیر آن بر فهم کلام سیاسی

پایه‌های‌ نظری این رویکرد را می‌توان در مباحث‌ مربوط به علم هرمنوتیک‌ جست‌وجو کرد. هرمنوتیک، به‌مثابه‌ هنر فهمیدن، همواره در معرض‌ خطر سوءفهم قرار دارد و از این‌ رو نیازمند قواعدی‌ روشمند برای‌ دفع این خطر است (بلخاری، ۱۳۸۲/ پالمر، ۱۳۹۰/ بلاشیر، ۱۳۸۰/ واعظی، ۱۳۸۳، ص ۲۷). شلایر‌ماخر نیز بر همین اساس، هرمنوتیک را مجموعه‌ای‌ از قواعد برای‌ فهم صحیح‌ معنا می‌دانست.

در این چهارچوب، پژوهش‌ پیش‌ رو بر این فرض استوار است که محیط‌ فکری، ذهنی، علمی و اجتماعی‌ متکلم سیاسی و میزان‌ آشنایی‌ او با دانش‌های‌ گوناگون، در فهم و تفسیر کلام سیاسی مؤثر است. این روش در چهار مرحله‌ کلی ۱. تأثیر زمینه‌های‌ عینی، ۲. تأثیر زمینه‌های‌ ذهنی، ۳. هنجارهای‌ مرسوم، ۴. نحوه تصرف‌ اندیشمند در هنجارها را دربر می‌گیرد.

نمودار (۱): مراحل روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر در پژوهش



در این روش، متن از ابژه‌ای خودمختار به ابژه‌ای مرتبط با سوژه یا خالق اثر تبدیل می‌شود. زمینه اجتماعی نه در کشف نیت مؤلف، بلکه در روشن‌سازی انگیزه‌های او نقش دارد (اسکینر، ۱۳۹۳).

۴. کاربرد روش اسکینر در تحلیل اندیشه جوادی آملی

استفاده از روش اسکینر، نه تنها در تحلیل اندیشه‌های تاریخی، بلکه در بررسی تفکرات معاصر نیز امکان‌پذیر است. برخی پژوهش‌ها هم به‌طور ویژه، اندیشه‌های جوادی آملی را با این روش بررسی کرده‌اند (عباس تبار و زارع پور نقیسی، ۱۳۹۸). در این پژوهش، رابطه فرد و جامعه در اندیشه سیاسی جوادی آملی از دیدگاه نیت‌گرایانه اسکینر تحلیل می‌شود؛ تحلیلی که هم به ساختار زبانی و مفهومی آثار او و هم به زمینه‌های فکری و اجتماعی مؤثر بر آن توجه دارد.

جوادی آملی به‌عنوان متکلم سیاسی، در بستری از سنت‌های تفسیری، فلسفی و اجتماعی خاصی زیسته و اندیشیده است. فهم کلام سیاسی او نیازمند توجه به محیط علمی و اجتماعی او (حوزه علمیه، فضای انقلاب اسلامی و مناقشات فکری معاصر)، آشنایی اش با دانش‌های مختلف (تفسیر، فلسفه، عرفان، حقوق و سیاست) و نحوه تصرف او در هنجارهای رایج و بازسازی مفاهیم سنتی در قالب‌های نوین است.

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

جدول (۱): مراحل چهارگانه تحلیل اسکینری درمورد جوادی آملی

مرحله	توضیح	مصادق در اندیشه جوادی آملی
زمینه‌های عینی	شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی	انقلاب اسلامی، بحران‌های هویتی جهان اسلام
زمینه‌های ذهنی	نظام معرفتی و دغدغه‌های فکری	تلفیق عقل فلسفی و عقل قرآنی، عدالت و کرامت انسانی
هنجارهای مرسوم	مفاهیم رایج در سنت اسلامی و مدرن	خلافت انسان، ولایت، امت، عدالت، حقوق بشر
تصرف در هنجارها	بازخوانی و بازسازی مفاهیم	تفسیر نوین از کرامت انسان، پیوند عقل و وحی در سیاست

جوادی آملی در آثار خود، رابطه فرد و جامعه را نه فقط در قالب حقوق و وظایف، بلکه در چهارچوبی اخلاقی، هستی‌شناختی و قرآنی بازسازی می‌کند. نیت او از طرح این رابطه، ارائه مدلی از جامعه اسلامی است که در آن، فرد دارای کرامت ذاتی و مسئولیت اجتماعی است. جامعه، بستری برای تحقق عدالت، رشد عقلانی و اخلاقی فرد است. سیاست نه ابزار سلطه، بلکه زمینه تحقق وحدت و رشد انسان است.

زمینه‌های اجتماعی و فکری جوادی آملی، انگیزه او را برای بازخوانی مفاهیم سنتی و پاسخگویی به بحران‌های معاصر آشکار می‌کند. او در پی آن است که باتکیه بر منابع اسلامی، الگویی از سیاست و جامعه ارائه دهد که هم با سنت سازگار باشد و هم پاسخگوی نیازهای زمانه.

۵. زمینه‌های عینی و ذهنی آیت‌الله جوادی آملی

۵-۱. زمینه‌های عینی رابطه فرد و جامعه در کلام سیاسی جوادی آملی

در چهارچوب روش هرمنوتیکی اسکینر، زمینه‌های عینی، نقش مهمی در تکوین اندیشه‌های سیاسی ایفا می‌کنند. جوادی آملی، با تلفیق عقلانیت فلسفی (از حکمت متعالیه) و کنشگری اجتماعی، فرد را نه در انزوا، بلکه در خدمت جامعه دینی تعریف می‌کند؛ جایی که آزادی فردی در چهارچوب مصالح جمعی معنا می‌یابد. این رویکرد، ریشه در تجربیات زیسته ایشان دارد که از محیط خانوادگی تا تحولات سیاسی معاصر امتداد می‌یابد:

۱. محیط خانوادگی و تربیتی اولیه؛ پیوند با سنت و عقلانیت: آیت‌الله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ در خانواده‌ای با پیشینه علمی و دینی در شهر آمل متولد شد. پدر بزرگش ملا فتح‌الله آملی، علاقه‌مند به علم کلام بود و کتاب گوهر مراد را وقف کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ج، ص ۲۰). این پیوند با سنت عقلانی و کلامی، از همان آغاز، زمینه‌ساز شکل‌گیری نگاهی بود که فرد را در نسبت با حقیقت، عقل و جامعه دینی تعریف می‌کرد. دایی پدرش، میرزا احمد درکابی، از شاگردان برجسته آخوند خراسانی بود (همان، ص ۲۳) و این تربیت اولیه، فرد را به‌عنوان موجودی مسئول در برابر جامعه دینی (امت) تربیت کرد که بعدها در کلام سیاسی ایشان به مفهوم «کرامت انسانی در چهارچوب توحید اجتماعی» نمود یافت.

۲. محیط فرهنگی آمل؛ تجربه زیسته در جامعه دینی محلی: شهر آمل، با سابقه‌ای دیرینه در علم‌پروری و تحولات اجتماعی، نخستین بستر رشد فکری و اجتماعی جوادی آملی بود. حضور در حوزه علمیه آمل، به‌ویژه در محضر آفاضیاء آملی، او را با مفاهیم بنیادین تفسیر، کلام و عقلانیت دینی آشنا کرد (همان، ص ۳۸). این محیط، فرد را نه در انزوای فردی، بلکه در شبکه جامعه دینی محلی (با تأکید بر تفسیر قرآنی و عقلانیت) قرار داد. گزارش‌های ایشان از مواجهه با تحولات حزب توده در آمل (دهه ۱۳۲۰)، نخستین تجربه از تنش‌های ایدئولوژیک مدرن با سنت دینی بود و او را به تأمل در نقش فرد مقاوم در حفظ هویت جمعی سوق داد (همان، ص ۲۲).

۳. تهران؛ تعمیق عقلانیت و آشنایی با تنوع اجتماعی: جوادی آملی در تهران، تحت تعلیم اساتیدی چون محمدتقی آملی، شعرانی، الهی قمشه‌ای و فاضل تونی قرار گرفت (همان، ص ۵۶-۶۰). این دوره، با تنوع اجتماعی تهران (از محله‌های سنتی تا جنبش‌های نوین)، به تعمیق مبانی نظری او در حوزه انسان‌شناسی (فرد به‌عنوان موجود عقلانی) و عدالت اجتماعی انجامید. مدرسه مروی، با تأکید بر قرآن به‌عنوان متن جامعه‌ساز، او را به بررسی نسبت فرد با «جامعه قرآنی» واداشت (همان، ص ۵۴-۵۷). این تجربیات، زمینه‌ساز دیدگاه سیاسی ایشان شد که فرد را در برابر ساختارهای ناعادلانه اجتماعی (مانند رژیم پهلوی) مسئول می‌داند.

۴. قم؛ بلوغ فکری و اجتماعی شدن اندیشه: قم، نقطه اوج بلوغ فکری جوادی آملی بود. شاگردی علامه سید محمدحسین طباطبائی رحمته‌الله (در فلسفه و تفسیر) و امام خمینی رحمته‌الله (در فقه و

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جواد‌ی آملی

سیاست)، او را با دو جریان مکمل آشنا کرد: یکی عقلانیت فلسفی (تلفیق فرد و کل در حکمت متعالیه) و دیگری کنشگری اجتماعی (ولایت فقیه به‌عنوان پیوند فرد با امت). هم علامه طباطبایی رحمته‌الله با رویکرد فلسفی - تفسیری و هم امام خمینی رحمته‌الله با نگاه فقهی - انقلابی، در شکل‌گیری نگاه جواد‌ی آملی به جامعه دینی، مؤثر بودند (همان، صص ۴۳ و ۱۲۷). حلقه فقهی محقق داماد نیز به تعمیق دیدگاه حقوقی او در ساختارهای اجتماعی کمک کرد (همان، ص ۱۳۷). این محیط، فرد را به‌عنوان «عنصر فعال در جامعه ولایی» بازتعریف کرد.

۵. اساتید و سیرت شخصی؛ تربیت اخلاقی و اجتماعی: اساتید جواد‌ی آملی، افزون‌بر تربیت علمی، در شکل‌گیری سیرت شخصی و اجتماعی او نقش داشتند. صفاتی همچون صداقت، شجاعت، تواضع و غم‌خواری - که در سنت حوزوی از استاد به شاگرد منتقل می‌شود - این سیرت، در کلام سیاسی ایشان به مفاهیمی چون مسئولیت اجتماعی، عدالت فردی - جمعی و کرامت انسانی تبدیل شد؛ جایی که فرد بدون خدمت به جامعه، از کمال محروم است (جواد‌ی آملی، همان، ص ۱۲۷/همو، ۱۳۷۶، ص ۳۸۳). برای مثال تأکید علامه طباطبایی رحمته‌الله بر «رابطه در جامعه دینی» (پیوند فرد با کل)، در اندیشه جواد‌ی آملی به «اصالت فرد در جامعه توحیدی» تعمیم یافت.

۶. تحولات اجتماعی - سیاسی و کنشگری فعال؛ از نظریه به عمل: جواد‌ی آملی در دوره‌های مختلف تاریخی، از پیش از انقلاب تا دهه‌های پس از آن، در تحولات سیاسی - اجتماعی مشارکت فعال داشت. این مشارکت، نه تنها تجربه زیسته او را غنی کرد، بلکه نگاه او به نسبت فرد و جامعه را از سطح نظری به سطح عملی ارتقا داد.

پیش از انقلاب: مشارکت در مبارزات، امضای اعلامیه‌ها و ممنوع‌المنبرشدن، نشان‌دهنده حساسیت او نسبت به آزادی‌های فردی در بستر جامعه دینی است (جواد‌ی آملی، ۱۳۸۷ج، ص ۱۹۶-۱۹۸).

پس از انقلاب: حضور در مجلس خبرگان قانون اساسی، تدوین لایحه قصاص و ابلاغ پیام امام خمینی رحمته‌الله به گورباچف، نشان‌دهنده تلاش او برای تبیین ساختارهای اجتماعی بر اساس اصول دینی و عقلانی است (صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۳۴۴؛ جواد‌ی آملی، ۱۳۸۷ج، صص ۲۰۳ و ۲۰۸).

دهه‌های بعدی: مواضع او درباره ولایت فقیه، حجاب، صیانت و برج‌ام، همگی نشان‌دهنده دغدغه او نسبت به تنظیم رابطه فرد و جامعه در چهارچوب عقلانیت دینی و مصالح اجتماعی‌اند.

جدول (۲): زمینه‌های عینی و تأثیر بر کلام سیاسی

ردیف	زمینه	توصیف کلیدی	تأثیر بر رابطه فرد - جامعه در کلام سیاسی
۱	خانوادگی و تربیتی اولیه	تولد در خانواده روحانی آمل؛ میراث کلامی پدر بزرگ و دایی (ملا فتح‌الله و میرزا احمد درکابی)	فرد به‌عنوان موجود عقلانی مسئول، در پیوند با جامعه دینی (کرامت توحیدی)
۲	فرهنگی آمل	تحصیل در حوزه آمل؛ مواجهه با حزب توده	فرد مقاوم در حفظ هویت جمعی؛ جامعه به‌عنوان امت محلی عقلانی
۳	تهران	تعلیم در مدرسه مروی؛ اساتید حکمت و تفسیر (محمدتقی آملی و دیگران)	تعمیق عدالت فردی در تنوع اجتماعی؛ فرد در برابر ساختارهای ناعادلانه
۴	قم	شاگردی علامه طباطبایی <small>رحمته‌الله</small> و امام خمینی <small>رحمته‌الله</small> ؛ حلقه محقق داماد	فرد فعال در جامعه ولایتی؛ تلفیق عقل فلسفی با کنش سیاسی.
۵	اساتید و سیرت شخصی	انتقال صفات اخلاقی حوزوی (صداقت، شجاعت)	مسئولیت اجتماعی فرد؛ عدالت فردی - جمعی به‌عنوان کرامت انسانی
۶	تحولات سیاسی	مبارزات پیشانقلابی؛ مجلس خبرگان؛ مواضع ولایت فقیه، حجاب و برج‌ام.	فرد کنشگر در خدمت امت؛ مصالح جمعی بر آزادی فردی مقدم (در چهارچوب عقل دینی).

۲-۵. زمینه‌های ذهنی رابطه فرد و جامعه در کلام سیاسی جوادی آملی

در چهارچوب روش هرمنوتیکی اسکینر، زمینه‌های ذهنی، نقش بنیادینی در تکوین اندیشه سیاسی دارند. این زمینه‌ها در بردارنده پیش‌داشته‌های معرفتی، باورهای اعتقادی و

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

مواجهه با جریان‌های فکری رقیب هستند که در شکل‌گیری نگاه جوادی آملی به نسبت فرد و جامعه، به‌ویژه در بستر دینی، عقلانی و اجتماعی، مؤثر بوده‌اند. وی با تلفیق عقل فلسفی، نقل قرآنی و کنش اجتماعی، فرد را نه در انزوای لیبرال، بلکه در پیوند پویا با جامعه دینی (به‌عنوان مجرای فیض الهی) تعریف می‌کند؛ جایی که آزادی فردی در خدمت مصالح جمعی و تحقق عدالت الهی معنا می‌یابد.

۱. حکمت متعالیه؛ بنیاد فلسفی رابطه فرد و جامعه: از دیدگاه جوادی آملی، حکمت متعالیه رئیس همه علوم است و جمع سالمی از کلام، فلسفه و عرفان را در خود دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳-۱). این نگرش، با تأکید بر تشکیک وجود، انسان را دارای مراتب وجودی می‌داند که در نسبت با خدا، جامعه و خویشتن معنا می‌یابد. خلافت نوعیه انسان از خداوند، به‌مثابه جایگاه اجتماعی و الهی انسان، از همین مبنا تبیین می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۹-۴۰). در این چهارچوب، مشروعیت سیاسی از شارع و مقبولیت از مردم است و قانون بدون اتصال به شرع، جسدی بی‌روح به‌شمار می‌آید (همو، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۳۸۷).

۲. تفقه جامع؛ پیوند عقل، نقل و سیاست اجتماعی: جوادی آملی، تفقه را دین‌شناسی جامع می‌داند که با حکمت و فلسفه تعارضی ندارد (همو، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۱). در این نگرش، فقیه جامع شرایط، نه‌تنها اداره امور امت را برعهده دارد، بلکه باید اصول حاکم بر سیاست و جامعه را از هدایت الهی دریافت کند (همو، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۹۹-۵۰۰). این رویکرد، فرد (به‌ویژه فقیه یا عالم) را در نسبت با جامعه، مأمور به تحقق عدالت الهی می‌سازد؛ جایی که عقل فقهی، فرد را از انفعال فردی به کنش اجتماعی ارتقا می‌دهد.

۳. تفسیر قرآن به قرآن؛ مبنای معرفتی رابطه فرد و امت: در روش تفسیری جوادی آملی، قرآن نه‌فقط منبع دینی، بلکه منهج تفسیری است که حجیت فعلی دارد و بر کلام معصوم تقدم دارد (همو، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۶۴ و ۶۱). این نگرش، کلام سیاسی ایشان را بر دوگانه «عقل و نقل» (نه عقل و دین) استوار می‌سازد و فرد را در پرتو قرآن، مسئول حقیقت و

جامعه قرار می‌دهد. برای نمونه در تفسیر آیات اجتماعی مانند آیه ۵۹ سوره نساء (ولایت متقابل فرد و امت)، فرد را به‌عنوان عنصر فعال در جامعه قرآنی بازتعریف می‌کند.

۴. مواجهه با جریان‌های فکری رقیب؛ دفاع از پیوند انسان و جامعه دینی: جوادی آملی با جریان‌های فکری رقیب چون اومانیزم، لیبرالیسم، سکولاریسم، پلورالیسم و نظریه قبض و بسط، مواجهه‌ای تحلیلی و انتقادی دارد. وی اومانیزم را به‌مثابه اصالت انسان بدون اتصال به امر متعالی، سبب حیوانیت‌مداری و خودبسندگی می‌داند (همو، ۱۳۸۵ الف، ج ۲، ص ۱۰۸). لیبرالیسم را سرایی پوچ و تهدیدی برای پیوند اجتماعی مبتنی بر حقیقت می‌خواند (همو، ۱۳۸۴ ب، ص ۱۵۴). سکولاریسم را جدایی دین از امور اجتماعی تعریف می‌کند و آن را نفی‌کننده حکومت دینی می‌داند (همو، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۳۳). پلورالیسم اجتماعی و سیاسی را قابل‌پذیرش می‌داند، اما پلورالیسم معرفتی را ردّ می‌کند (همو، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۱۲ و ۱۳۸۳، ص ۱۸۵). در برابر هرمنوتیک افراطی، مرگ مؤلف را نمی‌پذیرد و بر ضرورت پیش‌فهم‌های عقلانی و ایمانی در تفسیر متون مقدس تأکید دارد (همان، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸ و ۱۳۸۶، ص ۱۹۷). نظریه قبض و بسط را نیازمند تهذیب می‌داند و آن را موجب دین‌حداقلی و ناتوان از تمدن‌سازی می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۰۸ و ۱۳۸۶ الف، ج ۴، ص ۸۹). این مواجهات، نشان‌دهنده دفاع جوادی آملی از پیوند انسان با جامعه دینی و نفی فردگرایی افراطی است.

۵. انسان‌شناسی قرآنی؛ بنیاد رابطه فرد و جامعه: جوادی آملی انسان را مرکب از طبیعت و فطرت دانسته و حد نهایی او را «حی متألّه» معرفی می‌کند (همو، ۱۳۸۴ ب، ص ۱۶۴ و ۱۳۸۵ ب، ج ۱۰، ص ۴۳۹). انسان‌شناسی، مقدمه خداشناسی، تهذیب نفس و رهایی از خودفراموشی است و در علوم انسانی نقش‌آفرین است (همو، ۱۳۸۴ ب، ص ۷۰-۷۳). وی این مبنا را بسط می‌دهد و فرد را از انزوا به سوی همزیستی الهی در جامعه هدایت می‌کند که در کلام سیاسی، به مفهوم «کرامت انسانی در ولایت امت» تبدیل می‌شود.

۶. باورهای اعتقادی؛ توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد: باورهای اعتقادی جوادی آملی، چهارچوبی برای تنظیم رابطه فرد و جامعه فراهم می‌کنند؛ توحید ربوبی، اداره

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی

امور عالم را به خداوند نسبت می‌دهد و انسان را مجرای فیض الهی در جامعه می‌داند (همو، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵۳). از نگاه ایشان، عدل الهی، ظهور حق در جامعه است و از این رو عدالت را امری مطلق و غیرنسبی می‌داند (همو، ۱۳۸۶ الف، ج ۴، ص ۳۸۵ و ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۵۸۷). نبوت و امامت، مأموریت الهی برای هدایت جامعه هستند و حکومت را جزئی از رسالت پیامبران و امامان می‌داند (همو، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۵۴-۴۶۱ و ۱۳۸۶ الف، ج ۴، ص ۴۳۱). معاد، با برهان‌های عقلی و نقلی اثبات می‌شود و انسان را در برابر جامعه و خداوند مسئول می‌سازد (همو، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۵۶ و ۱۳۸۷، ص ۲۹).

جدول (۳): خلاصه زمینه‌های ذهنی و تأثیر بر کلام سیاسی

ردیف	زمینه ذهنی	توصیف کلیدی	تأثیر بر رابطه فرد-جامعه در کلام سیاسی
۱	حکمت متعالیه	جمع کلام، فلسفه و عرفان؛ تشکیک وجود و خلافت الهی.	فرد متعالی (حی متأله) مسئول هدایت جامعه به کمال توحیدی؛ مشروعیت الهی حکومت
۲	تفقه جامع	دین‌شناسی با پیوند عقل و نقل فقیه سیاست‌گذار	فرد (فقیه) مأمور عدالت در امت؛ ولایت متقابل فرد و جامعه
۳	تفسیر قرآن به قرآن	منهج حجیت‌دار بر عقل و نقل	تقدم قرآن بر کلام معصوم؛ فرد مسئول حقیقت قرآنی در جامعه؛ همبستگی اجتماعی بر پایه آیات نظام‌ساز
۴	مواجهه با رقیب‌ها	نقد اومانیزم، لیبرالیسم، سکولاریسم و...؛ دفاع از پیش‌فهم ایمانی.	نفی فردگرایی افراطی؛ فرد در پیوند متعالی با جامعه دینی در برابر مدرنیته
۵	انسان‌شناسی قرآنی	مرکب طبیعت و فطرت؛ مقدمه خداشناسی و تهذیب.	فرد خلیفه‌الله مسئول کرامت و رشد در جامعه؛ رهایی از خودفراموشی اجتماعی
۶	باورهای اعتقادی	توحید (فیض الهی)، عدل (حق) مطلق، نبوت / امامت (هدایت امت)، معاد (مسئولیت عقبی).	فرد مجرای عدالت الهی در امت؛ انگیزه ولایی و اخلاقی برای مصالح جمعی.

۶. هنجارهای مرسوم: تمایز طرفداران هنجار اصالت فرد از هنجار اصالت جامعه

رابطه اسلام با اصالت فرد و اصالت جامعه، یکی از پایه‌ای‌ترین مناقشات هنجاری در کلام سیاسی است. در این موضوع با نگرش‌ها و هنجارهای مختلفی روبه‌رو هستیم که برخی به نسبت ساده و برخی به نسبت پیچیده‌اند.

در کلام سیاسی آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی، رابطه فرد و جامعه به‌عنوان یکی از مناقشات بنیادین هنجاری (Normative) در اندیشه اسلامی و سیاسی، از منظر اصالت وجودی (Ontological Primacy)) بررسی می‌شود. این بحث که ریشه در تقابل‌های تاریخی میان فردگرایی (Individualism)) و جمع‌گرایی (Collectivism)) دارد، آثار گسترده‌ای بر سیاست دینی، حقوق انسانی و ساختارهای اجتماعی می‌گذارد.

جوادی آملی خود به طیف‌های مختلفی از هنجارهای مرسوم در میان متفکران اسلامی توجه دارد. وی ابونصر فارابی (۲۵۹ یا ۳۳۹-۲۶۰ ق)، اخوان‌الصفاء (قرن چهارم هجری)، ابو حامد محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰ ق) و محمدباقر صدر را از مخالفان نظریه اصالت جامعه (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب، ص ۲۹۶) و خواجه نصیر طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ق)، ابن‌خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ق) و علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه (همان، ص ۲۹۸) را از موافقان اصالت جامعه به‌شمار می‌آورد.

۶-۱. طرفداران هنجار اصالت فرد: جامعه به‌عنوان پدیده اعتباری و ابزاری

ابونصر فارابی (۲۶۰ یا ۳۳۹-۲۵۹ ق): وی در میان فلاسفه‌ای که با نظریه اصالت جامعه مخالفت کرده‌اند، نخستین اندیشمندی است که به‌صراحت در این باره سخن گفته است (همان، ص ۲۹۵). از دیدگاه فارابی، جامعه وجودی مستقل و منحاز ندارد، بلکه حقیقت و هویت آن، چیزی جز تجمیع و تعامل افراد نیست. جامعه، به‌مثابه پدیده‌ای نوظهور، از همکاری افراد شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را همچون ارگانیسم بدن انسان تصور کرد که اعضا و جوارح آن با هم پیوندی ذاتی دارند و هدفی واحد را دنبال می‌کنند. تفاوت بنیادین میان ارگانیسم بدن و جامعه، در این است که افراد جامعه با آگاهی و شعور، وظایف و تکالیف خود

● مبادی حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

را انجام می‌دهند؛ درحالی‌که اعضای بدن، فاقد ادراک و شعورند.

فارابی بر این باور است که انسان برای نیل به سعادت، نیازمند همکاری با همنوعان خویش است و از همین رو در جوار آنان سکونت می‌گزیند. به همین سبب انسان را «حیوان انسی» و «حیوان مدنی» نامیده‌اند؛ یعنی گرایش به اجتماع در انسان، نه غایت، بلکه ابزاری برای تحقق کمال انسانی است (فارابی، ۱۹۸۶م، ص ۱۱۲ - ۱۱۵).

اخوان‌الصفاء (قرن چهارم هجری): ایشان وجود جامعه را تاحدی که انسان‌ها را در مسیر کمال یاری برساند، ضروری دانسته و باور داشتند که صلاح دنیا و سعادت آخرت تنها از راه همکاری افراد تحقق می‌یابد و برای دستیابی به این اهداف، لازم است افراد پراکنده، گرد هم آیند تا نیرویی واحد را شکل دهند؛ به گونه‌ای که گویی همه افراد در حکم یک پیکر و یک روح باشند (اخوان‌الصفاء، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۷۵ و ج ۴، ص ۱۷۰).

ابوحامد محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق): وی جامعه را بدون استقلال وجودی می‌داند. از نگاه او، افراد به سبب نیازهای مادی و اقتضائات زندگی، گرد هم آمده‌اند و جامعه را پدید آورده‌اند؛ بنابراین، جامعه واقعی مستقل از افراد ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب، ص ۲۹۷).

محمدباقر صدر (۱۳۱۳-۱۳۵۹): وی در پاسخ به این پرسش که آیا جامعه وجودی مستقل از افراد دارد یا نه، تصریح می‌کند که نباید مانند برخی از فلاسفه غربی بیندیشیم که جامعه را موجودی مستقل و ریشه‌دار، با حدود و اعضای خاص به‌شمار می‌آورند. در این دیدگاه، فرد فقط سلولی از یک کل بزرگ و مستقل است (صدر، ۱۳۶۹، ص ۱۰۹ - ۱۱۰). همین رویکرد را اندیشمندانی چون ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰م)، توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹م) و ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸م) نیز در نظریه‌های اجتماعی خود اتخاذ کرده‌اند. این هنجار، در اندیشه جوادی آملی، با انسان‌شناسی قرآنی همخوانی دارد؛ جایی که فرد خلیفه‌الله است و جامعه، ابزاری برای تحقق عدالت فردی - جمعی.

۲-۶. طرفداران هنجار اصالت جامعه: جامعه به‌عنوان موجود حقیقی و ارگانیک

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق) را در میان موافقان نظریه اصالت جامعه،

می‌توان نخستین فیلسوفی دانست که با صراحت از اصالت و حقیقت‌داشتن جامعه سخن گفته و مفهوم فلسفی اصالت را وارد حوزه جامعه‌شناسی کرده است (طوسی، بی‌تا، ص ۲۸۰). از دیدگاه او، جامعه یک مرکب حقیقی است که از ترکیب ارگانیک اجزای آن پدید آمده و دارای آثاری است که نه از افراد قابل انتزاع هستند و نه قابل تأویل به آنها.

ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ق) که به‌عنوان بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی شناخته می‌شود، در مقدمه تاریخ خود مباحث گسترده‌ای درباره قوانین جامعه مطرح کرده است (ابن خلدون، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۹-۷۳). با این حال استنباط وجود حقیقی جامعه از سخنان فلاسفه همواره آسان نیست؛ چرا که فقط اشعار و تعابیر کافی نیست و تحلیل نهایی این مسئله نیازمند بررسی عقلانی و فلسفی دقیق است.

اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸) نیز از جمله اندیشمندانی است که به اصالت جامعه باور دارد. او باور دارد که فرد، جزء جدایی‌ناپذیر جامعه است و هویت شخصی در فرهنگ جمعی محو می‌شود. از نگاه وی، «خودی» تنها در جمع «خودی‌ها» و در بستر اجتماع رشد می‌کند؛ چراکه انسان‌ها به‌تنهایی قادر به تأمین نیازهای خود نیستند. در این نگرش، جامعه پدیده‌ای عینی شمرده می‌شود و هر فرد باید به آن بپیوندد تا هویت خویش را در نظام اجتماعی محو کرده و عظمت امت را در خود گرد آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ب، ص ۳۰۰).

از دیگر موافقان اصالت جامعه، علامه طباطبایی رحمته‌الله است. او ترکیب جامعه را حقیقی و از نوع مرکب انضمامی طبیعی می‌داند؛ همانند بدن انسان که از اجزای مختلف تشکیل شده و افراد پیش از ترکیب، دارای هویت مستقل بوده‌اند (همان، ص ۳۰۳). وی بحث اصالت جامعه را به‌صورت اجمالی مطرح کرده و شهید مطهری رحمته‌الله آن را به‌تفصیل شرح داده است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۳۵-۳۴۳). وی بر این باور است که قرآن برای جامعه سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم، شعور، طاعت و عصیان قائل است و اگر جامعه وجودی اعتباری و غیرحقیقی داشت، این تعابیر لغو و بی‌معنا می‌بود. از این رو خداوند برای جامعه نوعی حیات قائل است که نه از باب تشبیه، بلکه واقعیتی قرآنی است که پرده از آن برداشته شده است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص ۹۷).

مبای‌ی حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه برای اثبات مدعای خود، به آیات قرآن استناد کرده و در مقام اثبات امکان و تحقق وجود جامعه برآمده است (همان). شهیدمطهری رحمته‌الله‌علیه نیز در مقام دلیل نقلی، مخاطبان خود را به تفسیر المیزان ارجاع می‌دهد و در مقام برهان عقلی، بر سنت اجتماعی تأکید می‌ورزد. او باور دارد که انسان دارای دو ساحت روح و اندیشه است: یکی روح فطری که مولود حرکت جوهری است و دیگری اندیشه جمعی که از زندگی اجتماعی انسان سرچشمه می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۳۹).

جدول (۴): تمایز هنجارهای اصالت فرد و اصالت جامعه در کلام جوادی آملی

جنبه مقایسه	هنجار اصالت فرد	هنجار اصالت جامعه	موضع جوادی آملی در کلام سیاسی
اصالت وجودی	فرد حقیقی؛ جامعه اعتباری و تجمیع آگاهانه افراد (ابزاری برای سعادت فردی)	جامعه حقیقی و ارگانیک؛ فرد جزء وابسته (مرکب انضمامی با حیات مستقل)	اصالت فرد با اعتبار جهت‌ساز جامعه (تلفیق قرآنی - فلسفی؛ فرد خلیفه در امت)
استدلال عقلی	اجتماع از اراده و شعور فردی (نه ذاتی مانند بدن)؛ انسان مدنی بالفطره.	قوانین طبیعی جامعه (عصبیت، تمدن)؛ آثار غیرقابل انتزاع از افراد	تشکیک وجودی ملاصدرا؛ فرد متعالی، جامعه ابزاری برای عدالت الهی
استدلال نقلی	تأکید بر کرامت فردی (آیات خلافت، مسئولیت شخصی).	سرنوشت و نامه عمل مشترک امت (آیه ۹۷ نحل، تنزیه عام).	قرآن بر پیوند پویا (فرد) مسئول هدایت امت؛ نه تقدم مطلق جامعه).
پیامد سیاسی	آزادی فردی، حقوق شخصی، جلوگیری از استبداد جمعی (مدینه فاضله فارابی).	وحدت امت، عدالت جمعی، مشروعیت کل بر جزء (ولایت امت).	ولایت فقیه به عنوان تعادل؛ فرد عالم در خدمت امت توحیدی (حقوق در چهارچوب مصالح).
نقد جوادی آملی	همخوان با عقلانیت؛ اما نیاز به چهارچوب دینی برای جلوگیری از فردگرایی افراطی	ناکافی برای کرامت فرد؛ جامعه بدون فرد، پوسته خالی	ترجیح اصالت فرد؛ جامعه اعتباری جهت‌ساز برای تحقق عدالت ولایی

این تمایز، کلام سیاسی جوادی آملی را به‌عنوان گفتمانی متعادل غنی می‌کند که فرد را محور تحول جامعه قرار داده و سیاست دینی را بر پایه «کرامت انسانی در امت» بنا می‌کند.

۷. تصرفات آیت‌الله جوادی آملی؛ تبیین رابطه فرد و جامعه در کلام سیاسی

در کلام سیاسی آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی، تصرفات نظری در باب رابطه فرد و جامعه، دستاورد تلفیق زمینه‌های عینی (مانند تربیت حوزوی و کنش انقلابی) و ذهنی (حکمت متعالیه، تفسیر قرآنی) با نقد انتقادی هنجارهای مرسوم است. این تصرفات، که بیشتر در کتاب جامعه در قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب، ص ۱۲۲) تبلور یافته، فرد را به‌عنوان موجودی حقیقی و متعالی (خلیفه‌اللّه با کرامت الهی) و جامعه را اعتباری جهت‌ساز (امت توحیدی وابسته به اراده و فرهنگ افراد) تعریف می‌کند.

وی، با تأکید بر فلسفه ملاصدرا (تشکیک وجود و اصالت وجود فرد)، سیاست را به‌عنوان عرصه‌ای برای تحقق عدالت الهی می‌بیند؛ جایی که فرد، مسئول هدایت جامعه است، نه قربانی آن و جامعه، بستری برای شکوفایی فرد در مسیر قرب الهی. این دیدگاه، در برابر هنجارهای مرسوم (اصالت فرد در برابر اصالت جامعه)، موقعیتی تلفیقی، اما با ترجیح اصالت فرد اتخاذ می‌کند؛ فرد اصیل است، اما جامعه از طریق فرهنگ توحیدی، جهت حقیقی می‌یابد. این رویکرد، پیامدهای سیاسی روشنی دارد؛ مانند ولایت فقیه به‌عنوان پیوند عقلانی فرد (فقیه) با امت و نقد لیبرالیسم (فردگرایی استثمارگر) و کمونیسم (جمع‌گرایی استبدادی).

تصرفات جوادی آملی در این حوزه، واجد پیچیدگی، عمق فلسفی و نوعی سیالیت مفهومی است. باین حال همان‌گونه که برخی پژوهشگران نیز اشاره کرده‌اند (بوذری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۴۷-۷۲)، می‌توان او را باورمند به اصالت توأمان فرد و جامعه دانست. از دیدگاه وی، این بحث در قلمرو فلسفه قرار دارد؛ چراکه «اصالت» به‌معنای وجود راستین است و تشخیص آنکه چه چیزی در واقع دارای وجود حقیقی است، وظیفه فیلسوف است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۶۸).

● مبادی حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

در این میان هنجارسازی‌های مرسوم درباره رابطه اسلام با فرد و جامعه، بسته به انگیزه‌ها، اهداف و روش‌های تبیینی، به گروه‌های متعددی تقسیم می‌شوند که جوادی آملی با برخی از آنها نسبت روشن و با برخی دیگر، نقدی همدلانه دارد. او با بخش‌هایی از دیدگاه طرفداران اصالت جامعه و نیز با بخش‌هایی از طرفداران اصالت فرد هم‌نواست، اما در مواردی نیز از آنها فاصله می‌گیرد. در مجموع هم‌نوایی او با فردگرایان ناظر به به‌رسمیت‌شناختن عاملیت فردی انسان، استقلال اراده و عدم استحاله در اراده جمعی و همراهی‌اش با جامعه‌گرایان، ناظر به اهمیت ساختارهای اجتماعی و تأثیر ژرف آنها بر کنش‌های انسانی است.

بر همین اساس وی با فارابی در تأکید بر عنصر آگاهی در انسان، در برابر جوارح ارگانیکی، هم‌نظر است؛ با اخوان‌الصفاء در همکاری ارادی انسان‌ها همراه است؛ با محمد غزالی در اضطرار و اقتضای حیات بشر هم‌نواست و با محمدباقر صدر در تلقی فرد به‌مثابه سلولی مستقل، موافق است. همچنین، در پذیرش آثار خاص جامعه فراتر از افراد، با خواجه نصیر طوسی هم‌داستان است؛ با اقبال لاهوری در اینکه انسان در جامعه شناخته می‌شود، مخالفتی ندارد، اما در محوریت فردی در نظام اجتماعی، با او هم‌رأی نیست. او با علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در اینکه جامعه نوعی حیات دارد و قرآن نیز بر آن صحنه می‌گذارد، اختلافی ندارد، اما نسبت به برخی استدلال‌های وی، به‌ویژه در تطبیق آیات، نقدهایی جدی و مستدل دارد.

در تبیین مسئله ترکیب، جوادی آملی سه نوع ترکیب را مطرح می‌سازد: ترکیب اتحادی، ترکیب انضمامی و ترکیب اعتباری (همان، ص ۳۰۱). این تقسیم‌بندی، ناظر به نحوه ارتباط اجزاء در یک کل و میزان واقعیت یا اعتبار آن ارتباط است. از نظر ایشان، ترکیب اتحادی، ترکیبی حقیقی است که میان اجزای آن وحدت واقعی و وجودی برقرار است؛ مانند ترکیب انسان از روح و بدن، که خود بر سه قسم عقلی، خارجی و مقداری تقسیم می‌شود. در این نوع ترکیب، اجزا چنان در هم تنیده‌اند که یک وجود واحد را تشکیل می‌دهند، نه فقط مجموعه‌ای از عناصر کنار هم.

در نسبت‌سنجی این مباحث با مسئله وجود جامعه، دیدگاه‌های مختلفی شکل گرفته‌اند. برخی، جامعه را دارای ترکیب اعتباری دانسته و بر این اساس، اصالت را به فرد داده‌اند؛ زیرا در ترکیب اعتباری، وحدت میان اجزاء فقط قراردادی و ذهنی است، نه واقعی. گروهی دیگر، ترکیب جامعه را نوعی ترکیب صناعی می‌دانند؛ ترکیبی که اگرچه اعتباری محض نیست و نوعی نظم و وابستگی میان اجزاء در آن وجود دارد، اما همچنان اصالت با فرد باقی می‌ماند. در این دیدگاه، افراد جامعه همچون اجزای یک کارخانه‌اند که به هم وابسته‌اند، اما این وابستگی، وجودی مستقل برای جامعه ایجاد نمی‌کند.

در مقابل، دسته‌ای ترکیب جامعه را حقیقی و از نوع انضمامی طبیعی شمرده‌اند؛ همانند اجزای بدن که هر یک کارکرد خاصی دارند، اما در عین حال در خدمت یک کل زنده و واحد هستند. بر اساس این دیدگاه، جامعه، واجد نوعی واقعیت مستقل است و افراد، در مقام اجزای آن، هویت و کارکرد خود را از کل جامعه می‌گیرند. در نهایت، گروهی بر آن هستند که جامعه، دارای ترکیب حقیقی از نوع اتحادی است و بر اثر روابط نزدیک و درهم‌تنیده میان افراد، پدیده‌ای جدید به نام جامعه پدید می‌آید؛ پدیده‌ای که افراد، هویت خود را از آن کسب می‌کنند و این کل، واجد نوعی وجود مستقل و وحدت وجودی است (همان، ص ۳۰۳).

در این میان جوادی آملی، علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه را به دیدگاه سوم در باب وجود جامعه نزدیک دانسته و افزون بر نقل دلایل ایشان، به نقد مبنایی آنها نیز می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه با استناد به آیاتی از قرآن، بر این باور است که قرآن، برای جامعه نوعی وجود مستقل قائل است؛ به گونه‌ای که جامعه دارای سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور و طاعت و عصیان شمرده می‌شود. این ویژگی‌ها، از نگاه علامه، دلالت بر واقعیتی فراتر از جمع افراد دارند. حال آنکه اگر جامعه فقط اعتباری بوده و وجود حقیقی نداشته باشد، چنین تعبیری لغو و عبث بوده و با حکمت الهی در نزول قرآن، ناسازگار خواهند بود (همان، ص ۳۰۴-۳۱۰).

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

نمودار (۲): تأثیر مراحل روش اسکینر بر نظریه جوادی آملی



باین حال جوادی آملی در تحلیل و نقد این نظریه، تصریح می‌کند که مسئله حقیقی یا اعتباری بودن جامعه، امری تعبدی نیست تا بتوان به ظواهر الفاظ در آن، تکیه کرد. حتی اگر چند آیه بر وجود حقیقی جامعه دلالت داشته باشند، این دلالت‌ها برای اثبات اصالت جامعه کافی نیستند؛ چرا که ظواهر نقلی، تنها افاده ظن می‌کنند و ظن در مباحث علمی و عقلی، فاقد حجیت است. از این رو اگر برهان عقلی با ظواهر نقلی در تعارض باشد، باید ظواهر نقلی تأویل و توجیه شوند (همان، ص ۳۱۳). افزون بر این اثبات وجود جامعه از طریق آثار آن نیز از نگاه وی، فاقد اتقان است؛ زیرا ممکن است آثار اجتماعی، فرد را درجهتی خاص سوق دهند، اما هرگز اراده او را سلب نمی‌کنند. این تأثیر نیز ناشی از قدرت جمعیت نسبت به فرد است، نه از عنوان جامعه به مثابه یک موجود مستقل در برابر فرد (همان، ص ۳۱۶).

از دیدگاه تأثیرپذیری فکری، جوادی آملی در گرایش به اصالت جامعه، متأثر از اندیشه‌های علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه است؛ به ویژه در بخش‌هایی که به تأثیرات عینی - ذهنی

آموزگاران مربوط می‌شود. درمقابل گرایش او به اصالت فرد، از یک‌سو تحت تأثیر اساتید فلسفه‌ای چون فاضل تونی و ازسوی دیگر شاید متأثر از جریان فقهی است که ذاتاً فردمحور است.

برآیند کلی دیدگاه‌های جوادی آملی نشانگر آن است که نمی‌توان به‌روشنی یکی از دو اصالت فرد یا جامعه را به وی نسبت داد. به‌نظر می‌رسد خود او هم دراین‌زمینه دچار تردید است. بااین‌حال برخی صاحب‌نظران بر آن هستند که می‌توان نوعی تلفیق و جمع میان اصالت فرد و جامعه را از آرای وی استنباط کرد؛ گرچه این جمع هم می‌تواند محل نقد و تأمل باشد. استدلال‌های جوادی آملی، گاه در ردّ اصالت جامعه و گاه در تأیید مشروط و رقیق آن مطرح می‌شود.

عناوین برخی از مباحث او مانند «وجود عینی جامعه بر مبنای نفی ماده و صورت ارسطویی» (همو، ۱۳۸۷ ب، ص ۳۳۰)، «صعوبت اثبات وجود جامعه بنا بر لزوم وحدت صورت نوعی» (همان، ص ۳۳۱)، «پیوند ارواح جامعه در وجود عقلی» (همان، ص ۳۳۲)، «ترسیم وجود جامعه بر اساس وحدت اطلاقی فیض» و «حق انحلال جامعه در معاد» (همان، ص ۳۳۳)، «وجود جامعه از منظر هستی‌شناسی و جامعه‌شناسی» (همان، ص ۳۳۹) و «امامت و ولایت، عامل تحقق عینی جامعه» (همان، ص ۳۴۱)، همگی مؤید این نگاه تلفیقی هستند.

برای نمونه وی بر این باور است که جامعه، خواه دارای وجود حقیقی باشد و خواه اعتباری، در قیامت منحل می‌شود و چیزی به نام جامعه به معنای دنیوی آن در آخرت وجود ندارد. در قیامت، نه مجالی برای ضوابط فقهی و حقوقی هست و نه جایگاهی برای روابط اخلاقی (همان، ص ۳۳۷). در نگره‌ای مقابل، او باور دارد که اگر وحدتی هماهنگ با کثرت افراد برقرار شود و پیوند خاصی میان آحاد جامعه شکل گیرد و روح انسان کامل معصوم، به‌مثابه روح جمعی آنان باشد - روحی که جان جانان و دل دل‌هاست - دراین‌صورت، تصور وجود عینی جامعه با عقل ناسازگار نخواهد بود (همان، ص ۳۴۲).

● مبادی حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

جوادی آملی در بخش دیگری از آثار خود، به تفکیک دقیق میان قلمرو فلسفه و جامعه‌شناسی پرداخته و هرگونه خلط میان این دو حوزه را نادرست دانسته است. به‌زعم وی، بسیاری از چالش‌ها از آنجا سرچشمه می‌گیرد که این تفکیک رعایت نمی‌شود (همان، ۳۴۸). بر همین اساس متفکر جامعه‌شناس که از دیدگاه هستی‌شناسی فلسفی سخن نمی‌گوید و وجود اعتباری جامعه را به‌مثابه وجود حقیقی می‌شمارد، ممکن است برای جامعه تاریخ‌عینی، سنت‌عینی، روان‌شناسی‌عینی و مانند آن را ترسیم کرده و همه این امور را در شمار حقایق تکوینی بداند؛ چراکه اعتبار عقلایی نزد او به‌مثابه علت حقیقی و سبب عقلی شمرده می‌شود (همان، ص ۳۳۹).

افزون‌براین جوادی آملی در برخی از آثار خود، از اصالت فرد نیز سخن گفته است، اما نه از حیث طبیعت انسان، بلکه از منظر حقیقت او؛ یعنی روح ملکوتی آدمی (همو، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶). براین اساس روح انسان اصیل است و در مسیر قرب‌الهی حرکت می‌کند و برای تحقق مصالح عمومی امت، از بذل نفس و نفیس دریغ نمی‌ورزد. آثار این حرکت اصیل، به شکوفایی جامعه نیز منتهی می‌شود.

جوادی آملی در تبیین اجمالی این مسئله، بر تمایز بنیادین میان دو برداشت از «اصالت فرد» در مکاتب مادی و مکتب وحی تأکید می‌کند. از دیدگاه وی، آنچه در مکاتب مادی تحت‌عنوان تقدم فرد بر جامعه مطرح می‌شود، در عمل چیزی جز استتار، خودکامگی، انحصارطلبی، رفاه‌محوری و سلطه‌جویی نیست؛ یعنی فرد در این مکاتب، به‌مثابه موجودی خودبسنده و منفعت‌طلب تعریف می‌شود که جامعه را ابزاری برای تحقق خواسته‌های شخصی خود می‌شمارد. درمقابل مکتب وحی با حفظ اصالت فرد، معنایی کاملاً متفاوت و تعالی‌بخش از آن ارائه می‌دهد؛ در این منظومه فکری، تقدم فرد بر جامعه نه به‌معنای فداکاری جامعه در برابر امیال فرد، بلکه به‌معنای شکوفایی فضایل اخلاقی چون ایثار، نثار، عدل، احسان، رفع ظلم، حمایت از مظلوم و دشمنی با ظالم است.

این مزایای حقوقی و اخلاقی، برخلاف تصور رایج در مکاتب مادی، نه برای آن است که

فرد در خدمت منافع جمعی مستهلک شود، بلکه برای آن است که حقیقت وجودی انسان - یعنی جان مجرد و روح جاودانه او - از رهگذر تعامل اخلاقی با جامعه، مسیر کمال را پیموده و به سعادت ابدی و لقای الهی برسد. در این چهارچوب، احسان به جامعه، نه هدف نهایی، بلکه وسیله‌ای برای تعالی فرد و تحقق غایت وجودی اوست و از همین رو، فرد هرگز قربانی جامعه نخواهد شد، بلکه جامعه، بستری برای رشد و شکوفایی فرد در مسیر حق و حقیقت خواهد بود (همو، ۱۳۸۴، ب، ج ۲، ص ۴۱).

۸. نظریه اصالت فرهنگ در منظومه فکری جوادی آملی

۱. تمایز هستی‌شناختی میان فرد، جامعه و فرهنگ آیت‌الله جوادی آملی، بر پایه مبانی حکمت متعالیه ملاصدرا، وجود فرد را حقیقی و مستقل می‌داند، درحالی‌که وجود جامعه را اعتباری و وابسته به افراد توصیف می‌کند. فرهنگ در این چهارچوب، ماهیتی حقیقی - اعتباری دارد و به‌عنوان جهت‌دهنده و روح‌بخش هستی اجتماعی عمل می‌کند؛ نه فقط مجموعه‌ای از عادات و رسوم، بلکه بستری برای تحقق غایات انسانی و اجتماعی. «جامعه از آن رو که کلی اعتباری است، وجودی اعتباری دارد، اما جهت و غایت آن، از طریق فرهنگ الهی، حقیقی و جهت‌ساز می‌شود» (همو، ۱۳۸۷، ب، ص ۴۲).

در این منظومه، فرد بدون غوطه‌وری در فرهنگ، از هویت انسانی محروم می‌ماند و جامعه بدون فرهنگ، بدون مسیر و معنا خواهد بود.

۲. استدلال‌های قرآنی؛ فرهنگ به‌مثابه عامل تغییر تاریخی ایشان در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ الْقُوَّةَ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، تغییر فرهنگی و درونی را شرط لازم برای تحولات اجتماعی و تاریخی می‌شمارد. به‌زعم ایشان، این آیه بر تقدم باطن فرهنگی بر ظواهر ساختاری و سیاسی تأکید داشته و نشان می‌دهد که سرنوشت امت‌ها به‌دست خویشان است. «تغییر درونی قوم، که ریشه در معرفت و عمل فرهنگی دارد، مقدمه هر دگرگونی بیرونی است؛ خداوند حال ملتی را دگرگون نمی‌سازد، مگر آنکه آنان از درون دگرگون شوند» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، د، ص ۲۵۶).

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

۳. فرهنگ به‌مثابه معیار سنجش فرد و جامعه در آثار بعدی ایشان، فرهنگ نه‌تنها عامل شکل‌دهی، بلکه معیار ارزیابی و سنجش اصالت فرد و جامعه قرار می‌گیرد. این رویکرد، فرهنگ را در مرتبه‌ای ارزشی و الهی ارتقا می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هویت الهی جامعه، وابسته به عمق فرهنگ توحیدی آن است. «فرهنگ الهی، هم‌سازنده شخصیت انسانی است و هم ملاک قضاوت درباره کمال یا نقصان جامعه؛ ملتی که فرهنگش قرآنی باشد، قرآنی زیست می‌کند» (همو، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶).

۴. استدلال‌های معرفت‌شناختی و تمدنی در بیانات و آثار متأخر، فرهنگ را بستر تولید معرفت و تمدن‌سازی می‌دانند. به‌ویژه فرهنگ توحیدی را زیربنای تمدن نوین اسلامی معرفی کرده و تأکید دارند که بدون آن، هر ساختار سیاسی یا اقتصادی اسلامی، فاقد جوهر و عمق خواهد بود. «تمدن اسلامی بدون پشتوانه فرهنگ توحیدی، پوسته‌ای خالی از معنا است؛ توحید، جوهر و روح هر تمدنی است که می‌خواهد پایدار بماند» (همو، ۱۳۹۵، ص ۲۱۰).

نتیجه

در چهارچوب روش اسکینر، تمرکز بر بازسازی مفاهیم در بستر تاریخی و زمینه‌ای آنهاست؛ ازهمین‌رو تحلیل کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی نیز باید در پرتو زمینه‌های ذهنی و عینی شکل‌گیری آن صورت گیرد. جوادی آملی، متأثر از اندیشه‌های ناب شیعی، در مواجهه با مسئله اصالت فرد یا جامعه، به نقد و بازخوانی هنجارهای رایج در سنت‌های فکری غربی و اسلامی می‌پردازد و با تصرفی خلاقانه در آنها، به‌سوی راه‌حلی تلفیقی و سازوار حرکت می‌کند؛ راهی که نه در تقابل مطلق با سنت‌های موجود است و نه در امتداد بی‌چون‌وچرای آنها، بلکه دست‌آورد بازاندیشی‌ای است که در پرتو مبانی دینی و فلسفی شیعی صورت گرفته است.

جدول (۵): تعامل زمینه‌های عینی و ذهنی بر نظریه و تصرفات جوادی آملی

مثال	تأثیر بر تصرفات سیاسی	تأثیر بر نظریه	توصیف کلیدی	زمینه
تجربیات قم (عینی) با تفقه جامع (ذهنی)، ولایت را به عنوان تعادل کرامت - مصالح عملیاتی می‌کند	کنش انقلابی (خبرگان، لایحه قصاص) برای عدالت فردی - جمعی	فرد عاملیت دار؛ جامعه بستر فطری (تلفیق با عدل عقلی)	میراث خانوادگی، مواجهه با ایدئولوژی‌ها، شاگردی علامه و امام	عینی: تربیتی - اجتماعی (آمل، تهران، قم)
پیش‌داشته صدرایی (ذهنی) با کنش در برجام (عینی)، مصالح امت را بر پایه عقل فردی تبیین می‌نماید	نقد حقوق بشر غربی؛ ایثار الهی بر استثنای	اصالت فلسفی فرد؛ جامعه اعتباری جهت‌ساز (دیالکتیک تعاملی).	تشکیک وجود؛ «حی متاله» خلیفه‌الله	ذهنی: حکمت و انسان‌شناسی
مبانی توحیدی (ذهنی) با تجربیات انقلابی (عینی)، عدالت را به عنوان توازن در استلزامات سیاسی توحید بسط می‌دهد	تمدن‌سازی فرهنگی؛ نقد جمع‌گرایی توتالیتر	فرهنگ توحیدی اصیل؛ حلقه وصل دیالکتیک	توحید / امامت (جامعه‌محور)، عدل (فردمحور)	ذهنی: اعتقادی - قرآنی
تحولات اجتماعی (عینی) با نقد پلورالیسم (ذهنی)، امت متحد را در برابر مدرنیته حفظ می‌کند	سیاست‌گذاری ولایی برای تعادل	جامعه ارگانیکم زنده؛ رشد نامتوازن = بیماری	مبارزات پهلوی، مواضع حجاب و صیانت	عینی: کنش انقلابی - معاصر
این تعامل، در سیر مطالعاتی اندیشه‌های سیاسی، کلام را به سیاست عملی (مانند صبر در روابط اجتماعی) تبدیل می‌کند	الگوی بدیل دینی برای بحران‌های معاصر (هویتی، اخلاقی)	دیالکتیک هستی‌شناختی: فرد متعالی در امت عدالت‌محور	تلفیق تربیت حوزوی با فلسفه شیعی	تعامل کلی

● مبای حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

در این منظومه فکری، انسان به‌مثابه عامل و کنشگر ارادی و آگاهانه تعریف می‌شود؛ کنشی که از سطح رفتار صرف، فراتر رفته و واجد معنا و جهت‌مندی است. از همین رو بحث اصالت فرد و جامعه در اندیشه جوادی آملی، هم‌راستا با مباحث «عاملیت و ساختار» در نظریه‌های اجتماعی مدرن قابل طرح است. با وجود آنکه بسیاری از اندیشمندان اسلامی، به‌سبب ناسازگاری جبرگرایی اجتماعی با مبانی دینی، برای جامعه هویتی مستقل قائل نیستند و بر تقدم فرد تأکید دارند، جوادی آملی با نگاهی چندسویه، به بررسی و بازتعریف این نسبت می‌پردازد؛ نگاهی که از تأثیرات زمینه‌ای و تربیتی او نیز بی‌نصیب نمانده است.

زمینه‌های عینی و ذهنی مؤثر بر این نگرش، به‌ویژه آموزگاران برجسته‌ای چون علامه طباطبایی رحمته‌الله و فاضل تونی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری دیدگاه‌های جوادی آملی ایفا کرده‌اند. از یک سو گرایش به تفوق اصالت جامعه در اندیشه او، متأثر از مبانی فلسفی علامه طباطبایی رحمته‌الله است و از سوی دیگر تأکید بر اصالت فرد، ریشه در آموزه‌های فلاسفه‌ای چون فاضل تونی، مکتب تهران و نیز جریان فقهی دارد که به‌طور سنتی فردمحور است. این تلفیق، نه فقط التقاطی، بلکه دستاورد بازاندیشی‌ای است که در آن، عناصر متعارض در منظومه‌ای نوین سامان می‌یابند.

از دیدگاه جوادی آملی، جامعه نمی‌تواند رشدی یک‌جانبه و کاریکاتورگون داشته باشد؛ چراکه جامعه همچون ارگانیک‌سیمی زنده است که رشد نامتوازن اعضای آن، نه نشانه سلامت، بلکه علامت بیماری و اختلال است. بنابراین، تعادل فرد در جامعه و اعتدال جامعه در حرکت فرد، از اهمیت بنیادین برخوردار است و باید در سیاست‌گذاری‌ها و تحلیل‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

براین اساس در قواره کلام سیاسی جوادی آملی، همان‌گونه که برخی نیز اشاره کرده‌اند، می‌توان گفت فرهنگ، که خود دستاورد تعامل فرد و جامعه است، از اصالت برخوردار است. فرهنگ نه تنها زیربنای جامعه را تشکیل می‌دهد، بلکه پویایی یا مرگ جامعه، بیش از هر چیز وابسته به پویایی یا مرگ فرهنگ است. این نگرش، نشان‌دهنده عمق تحلیل جوادی آملی در پیوند میان انسان، جامعه و فرهنگ در چهارچوبی دینی و فلسفی است که با روش اسکینر نیز همخوانی دارد؛ روشی که بر بازسازی مفاهیم در بستر تاریخی و زمینه‌ای‌شان تأکید دارد.

نمودار (۳): نمودار پلکانی تأثیر روش اسکینر بر کلام سیاسی جوادی آملی در «رابطه فرد و جامعه»



در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی، رابطه فرد و جامعه نه تقابل محور، بلکه تعاملی، تکاملی و مبتنی بر غایت‌مندی الهی است. فرد، با برخورداری از کرامت ذاتی و عقلانیت الهام‌گرفته، نقطه آغاز حرکت اجتماعی است، اما این حرکت، در بستر جامعه‌ای سامان‌یافته و مبتنی بر عدالت، به فعلیت می‌رسد. جامعه مطلوب در نگاه ایشان، نه فقط مجموعه‌ای از افراد، بلکه «نظامی اخلاقی - توحیدی» است که در آن، حقوق و تکالیف فردی و جمعی در پرتو وحی و عقل سامان می‌یابد.

● مبای حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جوادی آملی

جوادی آملی با بهره‌گیری از منابع قرآنی، فلسفی و عرفانی، تصویری از جامعه ارائه می‌دهد که در آن، فرد نه در حاشیه، بلکه در مرکز تحول اجتماعی قرار دارد، اما این مرکزیت، با مسئولیت‌پذیری، تزکیه نفس و مشارکت در تحقق عدالت همراه است. از این منظر جامعه نه محدودکننده آزادی فرد، بلکه زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و در مسیر قرب الهی است. در نهایت نظریه رابطه فرد و جامعه در کلام سیاسی جوادی آملی، الگویی بدیل در برابر مدل‌های سکولار و لیبرال ارائه می‌دهد؛ الگویی که با تأکید بر وحدت وجودی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی، می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی باشد. این رویکرد، نه تنها ظرفیت‌های نظری قابل‌توجهی دارد، بلکه می‌تواند در پاسخگویی به بحران‌های هویتی، اخلاقی و اجتماعی معاصر نیز نقش‌آفرین باشد.

نمودار (۴): تصرفات جوادی آملی در مسئله اسلام و رابطه فرد و جامعه



بر این پایه برخی از تصرفات و دستاوردهای جوادی آملی در حوزه کلام سیاسی را می‌توان در محورهای زیر صورت‌بندی کرد:

تأکید بر تأثیر متقابل فرد و جامعه که برخلاف دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، نه فرد را در جامعه مستهلک می‌داند و نه جامعه را فقط برآیند افراد، بلکه میان این دو، رابطه‌ای دیالکتیکی و هستی‌شناختی برقرار می‌کند. در این چهارچوب، وجود عینی جامعه بر مبنای نفسی ماده و صورت ارسطویی تبیین می‌شود؛ چراکه اثبات وجود جامعه بر اساس لزوم وحدت صورت نوعی، با دشواری‌های فلسفی مواجه است.

براین اساس در منظومه فکری جوادی آملی، رابطه فرد و جامعه نه تنها یک مسئله اجتماعی، بلکه یک مسئله هستی‌شناختی و اخلاقی است. اهمیت آن از چندمنظر قابل تبیین است:

الف) انسان‌شناسی قرآنی؛ جوادی آملی انسان را موجودی «خليفة الله» می‌داند که دارای کرامت ذاتی است، اما این کرامت در تعامل با دیگران شکوفا می‌شود. فرد در عین استقلال، در شبکه‌ای از روابط اجتماعی معنا می‌یابد؛ این هم‌زمانی استقلال و وابستگی، مبنای اخلاق اجتماعی است؛

ب) جامعه به‌مثابه بستر تکامل - جامعه در نگاه ایشان فقط مجموعه‌ای از افراد نیست، بلکه بستری برای رشد، تزکیه و تحقق اهداف الهی است. فرد بدون جامعه نمی‌تواند به کمال مطلوب برسد؛ از این رو جامعه نه تنها ابزار، بلکه شرط تحقق انسانیت است.

ج) عدالت و ولایت؛ عدالت اجتماعی در اندیشه ایشان نیازمند فهم دقیق جایگاه فرد در ساختار اجتماعی است. ولایت، چه در سطح فردی (ولایت نفس) و چه در سطح سیاسی (ولایت فقیه)، نیازمند توازن میان حقوق فرد و مصالح جمعی است.

د) نقد فردگرایی و جمع‌گرایی افراطی؛ جوادی آملی با الهام از قرآن، هم فردگرایی لیبرالی و هم جمع‌گرایی توتالیترا را نقد می‌کند؛ او به‌دنبال مدلی است که «فرد در جامعه» و «جامعه برای فرد» را توأمان حفظ کند.

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جواد‌ی آملی

منابع

۱. ابن‌خلدون (۱۳۹۱). مقدمه ابن‌خلدون. ترجمه عبدالشکور جمالی. ویرایش یوحنا قمیر. مقدمه سیدعباس ذهبی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. اخوان‌الصفا (۱۳۹۱). رسائل اخوان‌الصفا. ترجمه یاسین شکرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. اسکینر، کوئنتین (۱۳۹۳). بینش‌های علم سیاست: در باب روش. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: فرهنگ جاوید.
۴. امیری، فرزاد. (۱۳۹۱). «بررسی مباحث کلام اجتماعی آیت‌الله جواد‌ی آملی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: پژوهشگاه معارج.
۵. بلاشیر، ژوزف (۱۳۸۰). گزیده هرمنوتیک معاصر. ترجمه سعید جهانگیری. آبادان: پرستش.
۶. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۲). بطن متن، قرآن، تأویل و هرمنوتیک. تهران: نشر حسن‌افرا.
۷. بوذری‌نژاد، یحیی و کیوان سلیمانی و الهه طالب‌زاده (۱۳۹۹). «فرد و جامعه؛ کشاکش آراء فلاسفه معاصر مسلمان». آموزه‌های فلسفه اسلامی. ۱۵ (۲۷). ص ۴۷-۷۲.
۸. پالمر، ریچارد (۱۳۹۰). علم هرمنوتیک. ترجمه محمدسعید خنایی کاشانی. تهران: نشر هرمس. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۹. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). حکمت متعالیه: در دو بخش عقل و نقل. ج ۱. قم: نشر اسراء.
۱۰. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). ریحی مختوم: شرح حکمت متعالیه. تحقیق حمید پارسانیا. قم: نشر اسراء.
۱۱. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). ولایت فقیه: ولایت فقیه و حکومت اسلامی. قم: نشر اسراء.
۱۲. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم. ج ۱. تحقیق علی اسلامی. قم: اسراء.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). وحی و نبوت در قرآن: تفسیر موضوعی. ج ۳. تحقیق علی زمانی قمشه‌ای. قم: اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). معاد در قرآن. ج ۴. تحقیق علی زمانی قمشه‌ای. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). دین‌شناسی. تحقیق محمدرضا مصطفی‌پور. چاپ سوم. قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ الف). حیات حقیقی انسان در قرآن: تفسیر موضوعی. ج ۱۵. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ب). سرچشمه اندیشه. ج ۲. تحقیق عباس رحیمیان. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ج). معرفت‌شناسی در قرآن. تحقیق حمید پارسانیا. چاپ سوم. قم: اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ د). تفسیر انسان به انسان. تحقیق محمدحسین الهی‌زاده. قم: اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ الف). سروش هدایت (مجموعه پیام‌های حضرت آیت‌الله جوادی آملی). ج ۲. تحقیق سید محمود صادقی. قم: اسراء.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ ب). تفسیر تسنیم. ج ۶. تحقیق حسن واعظی محمدی. چاپ دوم. قم: اسراء.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ ج). تسنیم. ج ۱۰. تحقیق سعید بندعلی. قم: اسراء.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ الف). فلسفه حقوق بشر. تحقیق سید ابوالقاسم حسینی زرفا. چاپ پنجم. قم: اسراء.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ب). سرچشمه اندیشه. ج ۴. چاپ دوم. قم: اسراء.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ج). شریعت در آینه معرفت. تحقیق حمید پارسانیا. چاپ پنجم. قم: اسراء.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ الف). انتظار بشر از دین. تحقیق محمدرضا مصطفی‌پور. چاپ پنجم. قم: اسراء.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ب). جامعه در قرآن. تحقیق مصطفی خلیلی. قم: اسراء.

مبای‌ حکمرانی دینی؛ اسلام و «رابطه فرد و جامعه» در کلام سیاسی آیت‌الله جواد‌ی آملی

۲۸. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ج). مهر استاد: سیره علمی و عملی استاد جواد‌ی آملی. چاپ چهارم. قم: اسراء.
۲۹. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). نسیم اندیشه. ج ۳. تحقیق سیدمحمود صادقی. قم: اسراء.
۳۰. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم. ج ۱۹. تحقیق سعید بندعلی و عباس رحیمیان. قم: اسراء.
۳۱. جواد‌ی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). حکمت و دین در قرآن. قم: بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء.
۳۲. حسینی، سیدعباس (۱۴۰۳). «صورت‌بندی نظریه فرهنگی آیت‌الله جواد‌ی آملی». اسلام و مطالعات اجتماعی. ۸ (۱). ص ۸۹-۱۰۶.
۳۳. خلیلی، محمد (۱۳۹۴). «عامل و ساخت در اندیشه اجتماعی آیت‌الله جواد‌ی آملی». فرهنگ پژوهش. ۸ (۲۲). ص ۹۳-۱۱۱.
۳۴. خیری، حسن (۱۳۹۶). «اصالت فرد و جامعه و آثار آن بر مبنای حکمت صدرایی». نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان. ۷ (۱). ص ۷۹-۱۰۱.
۳۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۱). قبض و بسط تئوریک شریعت. چاپ دوم. تهران: صراط.
۳۶. شاکرین، فاطمه (۱۳۸۹). «هستی‌شناسی جامعه از منظر متفکران دینی». اندیشه نوین دینی، ۶ (۲۲). ص ۱۶۱-۱۸۶.
۳۷. صدر، محمدباقر (۱۳۶۹). سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمه حسین منوچهری. مقدمه و تنظیم پاورقی جلال‌الدین علی‌الصغیر. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیرالقرآن. ج ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. طوسی، نصیرالدین (بی‌تا). اخلاق ناصری. ویراستاران مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
۴۰. عباس‌تبار، رحمت و محمد زارع‌پور نقیسی (۱۳۹۸). «همگرایی عقل و سیاست در حکمت متعالیه جواد‌ی آملی بر اساس نظریه هرمنوتیک اندیشه‌شناسانه اسکینر». انسان‌پژوهی دینی. ۱۶ (۴۲). ص ۲۰۱-۲۱۹.
۴۱. عباس‌تبار، رحمت و محمد زارع‌پور نقیسی (۱۳۹۸). «همگرایی عقل و سیاست در حکمت متعالیه جواد‌ی آملی بر اساس نظریه هرمنوتیک اندیشه‌شناسانه اسکینر».

- انسان پژوهی دینی. ۵ (۱۸). ص ۵۱-۸۱.
۴۲. علویان، مرتضی و محمد زارع پور (۱۳۹۷). «اقتضائات حضور عقل برهانی در معرفت سیاسی آیت الله جوادی آملی». معرفت سیاسی. ۱۰ (۲). ص ۷-۳۲.
۴۳. فارابی، محمد بن محمد (۱۹۸۶ م). آراء أهل المدينة الفاضلة. مقدمة و علق أبي نصر نادر. چاپ سوم. بیروت: دار المشرق.
۴۴. لکزایی، شریف (۱۳۹۲). «فرد و جامعه در حکمت سیاسی متعالیه». سیاست متعالیه. ۱ (۳). ص ۲۵-۴۲.
۴۵. مجتبی زاده، [م.]. (۱۳۸۹). «اندیشه سیاسی حضرت آیت الله جوادی آملی». پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.
۴۷. منصورنژاد، محمد و حجت الله محمدشاهی (۱۳۹۰). سیری در اندیشه سیاسی آیت الله عبدالله جوادی آملی. قم: جوان پویا.
۴۸. نادری، مهدی (۱۴۰۰). «تحلیل انتقادی مبانی نظریه آزادی در دیدگاه آریایا برلین (با تأکید بر آراء علامه جوادی آملی)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در اسلام. ۱۷ (۳)، ص ۱۰۱-۱۳۲.
۴۹. واعظی، احمد (۱۳۸۳). درآمدی بر هرمنوتیک. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی